

خود آزمایی واقعی

آیا شما آدم خوبی هستید؟ وقتی انسان با چنین سؤالی مواجه می شود چه افکاری در ذهنش بوجود می آید. بعضی خود را با دیگران مقایسه می کنند و فکری می کنند که نسبتاً بد نیستند، یا ممکن است این به نظرمان نباید که تا بجهان برای جرمی به زندان نرفته ام مال کسی را ندزیده ام و به گناهان سنگینی مثل قتل و زنا مرتکب نشده ام و اگر هم گناهی کردم از آن توبه کرده ام و مدتهاست که آرام به هیچکس نرسیده در نتیجه من آدم خوبی هستم. در این مقاله می خواهیم ببینیم که خداوند برای خود آزمایی چه فرموده. در دوّم قرنیان ۱۳ آیه ۵ می خوانیم: "خود را امتحان کنید که در ایام هستید یا نه." حقیقت الهی برای خود آزمایی از ماهیان دانشی را می طلبد که از هرگونه اطمینان به قدرت نفس و هر نوع خود ستایی مبرا بوده و برعکس ما را به تواضع می کشاند. این طریقی است که باید حفظ شود اگر می خواهیم با معیار صحیح خود را بیازمائیم و به هدف خود آزمایی یعنی ارزیابی واقعی خود نائل شویم. البتّه تعلم دیگری که ما را به تفکر به خوبی های خود دعوت می کند شکی نیست که بیچارگی و سرساری ما را به مدّ نظر آورده و باعث می شود که پراز جهالت شویم. نفس انسان هیچ چیزی را بیش از این دوست ندارد که مورد تحسین واقع شود. وقتی از استعدادها و ویژگی های دیگر او بسیار تعریف می کنند به راحتی نسبت به آن مغرور شده و خود را بزرگ می بیند. در نتیجه نباید تعجب کرد که در این مورد اکثر انسانها خود را خریب راده اند. آن خود دوستی که در وجود انسان است به آسانی باعث می شود که خود را قانع کند که هیچ اشکال واقعی در وجودش نیست که در نظر خدا مردود بشود. در امثال سلیمان باب ۱۶ آیه ۲ قسمت اول می خوانیم که همه راههای انسان در نظر خودش پاک است. یا در باب ۲۲ آیه ۲ در همین کتاب امثال می خوانیم: "هر راه انسان در نظر خودش راست است." در نتیجه این طرز فکر باطل در انسانها این اعتقاد را بوجود می آورد که به خودی خود کاملاً قادر هستند که خوب و خوش زندگی کنند. البتّه بعضی با اعتدال بیشتر فکر می کنند و قسمتی از آنچه هستند دارند را به خوبی خدا نسبت می دهند تا چیزی برداشتی ندهند که همه چیز را در زندگی به قدرت و استعداد خود نسبت دهند ولی با وجود این بهترین دلیل برای افتخار و اعتماد در زندگی را از جانب خودشان می دانند. چیزی برای انسان بیش از این لذت بخش نیست که با شنیدن حرفهای تملق آمیز غرور که در ذات انسانی است بیشتر شود. برای همه در هر دوره زمان آنانی که به بهترین تهوری طبیعت انسان و استعداد های آن را مورد ستایش قرار دهد با کف زدن بلندی مورد استقبال مردم واقع می شود. اما این ستایش انسان با رسانیدن این تعلم که انسان به خود متکی باشد هر چند به گوش می شنوید است و دلچسب ولی در واقع میزان فریبنده است که انسان را به نابودی می کشاند. این عاقبت کسانی است که اعتماد به نفس را پسند کرده اند.

پس کسانی که به آن معلمین گوش می دهند که آنها را به تفکر در توانایی، استعداد و صلاحیت انسانی مشغول می کند نه تنها به خودشناسی و خودآزمایی واقعی منجر رسند بلکه برعکس «زیان بخشترین بهالت عروق من شوند. برای روشن شدن بیشتر موضوع درخاسته آیاتی چند از کتاب مقدس را می خوانیم:

آنکه بر دل خود توکل نماید احمق می باشد اما کسیکه به حکمت سلوک نماید نجات خواهد یافت (امثال ۲۸: ۲۶) - همچنین امثال ۱۶: ۲۵ راهی هست که در نظر انسان راست است اما

عاقبت آن راه موت می باشد. از اینرو اکثریت بشر به هلاکت ابدی خواهند رفت زیرا راه نجات از گناهان خود و حیات جاودانی را که مسیح بوسیله انجیل مکتوف کرده (یعنی ایمان به منون ریخته شده **مسیح** بر خدا که ما را از هر گناه پاک می سازد) رد کرده و به راهی که به نظر خودشان درست است می روند.

امثال ۱۲: ۱۵ راه احمق در نظر خودش راست است اما هر که نصیحت را بشنود حکیم است.

ارمیا ۱۷: ۹ دل از همه چیز فریبده تر است و بسیار مریض است کیست که آنرا بداند

امثال ۳: ۵-۷ به تمامی دل خود بر خداوند توکل نما و بر عقل خود تکیه مکن. در همه راههای نمود او را بشناس و او طریقهای ترا راست خواهد گردانید. خوشبختتر اهلیم میندار.

مسیح در انجیل یوحنا ۱۲: ۱-۴۸ فرمود: «هر که مرا حقیر شمارد و کلام مرا قبول نکند کسی هست که در حق او داور می کند همان کلامی که گفتم در روز باز پسین بر او داور می خواهد کرد». خوشبختانه به حال کسی که به دقت خود را با کلام مسیح بیازماید و اصلاح کند زیرا که در آن روز نخل نخواهد شد.